

Rationality and the Teaching of History in Nahj al-Balagha

Mehdi Nazari^{*, 1}, Mohammad Ali Nemati²

1. Visiting Lecturer, History Education Department, Allameh Tabatabaee Campus,
Farhangian University, Khorramabad, Iran.

2. Visiting Lecturer, History Education Department, Allameh Tabatabaee Campus,
Farhangian University, Khorramabad, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

- . History,
- . history education,
- . Quran,
- . Nahj al-Balagha,
- . Rationality

1 .Corresponding
author



mehdi93nazari@gm
ail.com.

Background and Objectives: Nahj al-Balagha also pays special attention to history by relying on the Quran. The question is why, how, and from what dimensions did Nahj al-Balagha teach history. **Methods:** This research was conducted in a descriptive-analytical manner and library studies, especially relying on the Holy Quran and Nahj al-Balagha. **Findings:** The results of the study have reached the fact that Imam Ali (AS) in addition to relying on heavenly teachings and the Quran, with his special rationality and wisdom in teaching history directly emphasized important matters such as education and thinking, study, reasoning, insight, understanding, and science, and as a distinguished scholar, he expressed historical events and scenes with scholarly and artistic rationality to teach humans a lesson for building the present and future and worldly and hereafter affairs. **Conclusion:** The importance of history in Nahj al-Balagha is enough to mention that its author, his son Imam Hassan (AS), and in fact, man, after advising him to learn and act upon the Quran, pays attention to the mission of the prophets as a period of history. Hence, it demands that it be considered in the classroom.

ISSN (Online):

DOI: 10.48310/rhe.2025.20530.1173

Received: 1403/05/24 Reviewed: 1403/07/09 Accepted: 1403/11/10

Citation (APA): Nazari, M. Nemati, M.A(2025). Rationality and the Teaching of History in Nahj al-Balagha. *The Journal of Research in History Education*, 16(4)55-70.  <https://doi.org/10.48310/rhe.2025.20530.1173>



عقلانیت و آموزش تاریخ در نهج البلاغه

مهدی نظری^{۱*}، محمدعلی نعمتی

۱. مدرس مدعو گروه آموزش تاریخ، پردیس علامه طباطبایی، دانشگاه فرهنگیان، خرم آباد، ایران

۲. مدرس مدعو گروه آموزش تاریخ، پردیس علامه طباطبایی، دانشگاه فرهنگیان، خرم آباد، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: نهج البلاغه نیز با تکیه بر قرآن به تاریخ توجه ویژه‌ای دارد. سؤال این است که نهج البلاغه چرا و چگونه و از چه ابعادی به آموزش تاریخ پرداخته است. **روش‌ها:** این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای به ویژه تکیه بر قرآن کریم و نهج البلاغه، انجام گرفت. **یافته‌ها:** نتایج مطالعه به این واقعیت رسیده که امام علی (ع) علاوه بر متکی بودن به تعالیم آسمانی و قرآن، با عقلانیت و حکمت خاص خویش در آموزش تاریخ مستقیماً به موارد مهمی مانند آموزش و تفکر، مطالعه، استدلال، بصیرت، فهم و علم تأکید نموده و در مقام یک عالم ممتاز با عقلانیت عالمانه و هنرمندانه حوادث و صحنه‌های تاریخی را برای عبرت‌آموزی انسان‌ها برای ساختن حال و آینده و امور دنیوی و اخروی بیان فرموده است. **نتیجه‌گیری:** در اهمیت تاریخ در نهج البلاغه همین نکته بس است که صاحب آن، فرزندش امام حسن (ع) و در واقع انسان را بعد از توصیه به فراگیری و عمل به قرآن، به رسالت پیامبران به عنوان مقطعی از تاریخ توجه می‌دهد. از این رو می‌تواند که در کلاس درس مورد توجه قرار گیرد.

DOI:

واژه‌های کلیدی:

تاریخ،

آموزش تاریخ،

قرآن،

نهج البلاغه،

عقلانیت.

۱. نویسنده مسئول

mehdi93nazari@gmail.com[✉]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تاریخ به عنوان علم رویدادهای گذشته اجتماعی انسان، همواره برای استفاده در حال و آینده مورد توجه اقوام و ملل مختلف بوده و هست. قرآن کریم کتاب مقدس آسمانی مسلمانان نیز به تاریخ به طور ویژه توجه دارد و حدود یک سوم محتوای قرآن را تاریخ اقوام و ملل گذشته تشکیل می‌دهد و در سوره‌ها و آیات فراوان انسان‌ها را به سیر در زمین و وقایع و حوادث گذشته اقوام پیشین برای استفاده در زندگی و عبرت‌آموزی، پند گرفتن و آموزش فرامی‌خواند. نهج البلاغه نیز به عنوان کتابی که برادر قرآن خوانده شده، به همان سبک قرآن کریم ضمن بیان وقایع تاریخی به صورت مؤکد انسان‌ها را به مطالعه تاریخ و عبرت‌آموزی از آن دعوت می‌کند. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش مطالعه کتابخانه‌ای به خصوص با تکیه بر قرآن کریم و نهج البلاغه در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

چرا نهج البلاغه به تاریخ نگاه ویژه‌ای دارد؟

در نهج البلاغه در موضوع تاریخ به چه نکاتی پرداخته شده است؟

عقلانیت و علم چه جایگاهی در نگاه ویژه به تاریخ در نهج البلاغه دارد؟

تاریخ همواره در میان همه ملت‌های دنیای قدیم به شکل اسطوره و تصنیف وجود داشته است. به تدریج از میان این عناصر حکایات روان و داستان‌های حوادث واقعی که در تسلسل زمانی جای داده شده‌اند، شکل گرفت. ادراک زمان مهم‌ترین شرط لازم برای ظهور حکایات روان از گذشته به صورت روندی مداوم و غیر قابل برگشت گردید. درک آن رفته رفته عمیق‌تر گشت. (یروغنه‌یف، ۱۳۶۰: ۷-۸)

جدای از معنای لغوی تاریخ، هیچ‌گاه تعریفی واحد از تاریخ توسط مورخان ارائه نشده است. از تاریخ تعریف‌های گوناگون ارائه شده است. یکی از کامل‌ترین تعاریف در مورد تاریخ این است که تاریخ از نظر هستی شناختی فرآیند صیوریت آدمی یا علم شدن انسان است. زیرا انسان هسته مرکزی تاریخ را شکل می‌دهد. البته این انسان، انسانی مجرد و متافیزیکی نیست بلکه در پیوند تنگاتنگ با دیگر انسان‌ها قرار دارد و از کنش‌ها و تعاملات آن‌ها، جامعه، نهادها، ساختارها و فرآیندها شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، تاریخ همان جامعه پویاست که در یک بستر و روند رو به تحول قرار دارد. و حضور انسان در آن سبب می‌شود جوامع انسانی صرف نظر از ضرب‌آهنگ‌های تند و کند آن، همواره در یک مسیر رو به تحول گام بردارد. (ملائی توانی، ۱۳۸۷: ۱۹)

تاریخ یا پیشینه مفهومی انتزاعی است که دست کم دو معنا از آن برداشت می‌شود؛ گاه ناظر به رخدادهای گذشته و گاه معطوف به پژوهش و بررسی رویدادها است؛ بنابراین، هم به

علم و هم به موضوع آن، تاریخ گفته می‌شود. برای تفکیک این دو مقوله، اصطلاحاً تاریخ را تاریخ (۱) و علم تاریخ را تاریخ (۲) می‌نامند.

منظور از تاریخ (۱)، مجموعه رخدادهای فرهنگی، طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و رویدادهایی است که در گذشته و در زمان و مکان زندگی انسان‌ها و در رابطه با آن‌ها رخ داده است. این رویدادها شامل اموری می‌شود از قبیل کردارها و دستاوردهای مادی و معنوی بشر و هرآنچه که گفته، اندیشیده و عمل کرده‌است. تاریخ (۲) معرفتی ناظر به وقایع جزئی و درک پدیده‌های ذکرشده است که در ذهن تاریخ‌نگار شکل می‌گیرد و از نوع معرفت درجه یک است. به عبارت دیگر، رویداد (تاریخ)، موقعیتی هستی‌شناختی دارد و تأویل و فهم از رویداد (علم تاریخ) دارای موقعیتی شناخت‌شناختی است. ویلیام هنری والش تاریخ (۲) را بازگو کردن کلیه اعمال گذشته انسان می‌داند، به گونه‌ای که نه تنها در جریان وقایع قرار می‌گیریم، بلکه علت وقوع آن حوادث را نیز بازمی‌شناسیم. (والش، ۱۳۶۳:)

به عبارت دیگر، هدف تاریخ علاوه بر اینکه معرفت به افراد انسان است، آگاهی به روابط اجتماعی او در گذشت روزگار نیز هست. منظور از «اجتماعی» در واقع کل اموری است که در حیات آدمی مؤثر است، نظیر امور اقتصادی، مذهبی، سیاسی، هنری، حقوقی، نظامی و علمی. پژوهشگرانی که درباره تاریخ می‌نویسند، تاریخ‌نگار نامیده می‌شوند. هرچند غالباً این رشته مطالعاتی را در زیرگروهی از علوم انسانی یا علوم اجتماعی قرار داده‌اند، با این حال می‌توان آن را به عنوان پلی بین این دو شاخه تلقی کرد؛ زیرا روش‌های مطالعاتی مختلف آن از هر دو شاخه وام گرفته شده‌اند. تاریخ به عنوان یک رشته مطالعاتی دارای شاخه‌ها و گرایش‌های جانبی زیادی است.

تاریخ‌نگاران از گذشته کوشیده‌اند تا پرسش‌های تاریخی را با پژوهش در اسناد نوشتاری پاسخ گویند. با این حال پژوهش‌های تاریخی تنها به این منابع محدود نمی‌شوند. به‌طور کلی، منابع دانشورانه تاریخی را می‌توان به سه رده تقسیم کرد: منابع مکتوب، منابع منقول و منابع مادی. تاریخ‌نگاران اغلب از هر سه مورد استفاده می‌کنند. نقطه عطف تاریخ یکی از اصطلاحات رایج در جامعه برای اشاره به وقایع مهم و اثرگذار در روند تاریخ و وقایع پیشرو هست (<https://fa.wikipedia.org>). در مورد اینکه چرا افراد تاریخ می‌خوانند باید گفت که مردم در حال زندگی می‌کنند. آن‌ها برای آینده خود برنامه‌ریزی می‌کنند و نگران آن هستند. تاریخ، مطالعه گذشته است. با وجود مشقت‌ها و مشکلات در رفع خواسته‌های کنونی و پیش‌بینی خواسته‌هایی که در راه است، چرا باید نگران چیزی باشیم که در گذشته اتفاق افتاده است؟ با وجود تنوع شاخه‌های علمی مطلوب، چرا باید بر یک مقدار مفید تاریخ پافشاری کنیم؟ چرا بسیاری از دانشجویان و دانش‌پژوهان، بیش از اندازه مورد نیاز خود به دنبال تاریخ هستند؟ هر

موضوعی برای مطالعه نیازمند دلیل است: طرفداران آن موضوع باید دلیل توجه خاص خود به آن موضوع را توضیح دهند. بیشتر، موضوعاتی به طور گسترده مورد قبول اند که موضوعاتی تاریخی هم جزیی از این موضوعات باشند؛ افراد زیادی را به خود جذب می کنند و آن ها به دنبال اطلاعات و دیدگاه هایی هستند که در آن ها یافت می شوند. اما مخاطبان، کمتر به طور خود به خود به سمت این موضوعات هدایت می شوند و نسبت به این قضیه تردید دارند که چه نیازی به دانستن مقصود نویسندگان آن موضوع است و چرا باید خود را به دردسر بیندازند؟ (ناتانیل استینر، ۱۳۹۶).

تاریخ دانان کار پیوند قلب، طراحی یک جاده یا دستگیری مجرمان را انجام نمی دهند؛ در جامعه ای که انتظار می رود تحصیلات در راستای اهداف سودمند به کار آید، تعریف کردن تاریخ کاری بس دشوارتر از کار مهندسی یا پزشکی است. در واقع تاریخ بسیار مفید است و حقیقتاً ضروری است. اما نتایج حاصل از مطالعات تاریخی، نسبت به سایر رشته های علمی، کمتر قابل ملاحظه است و گاهی هم از تازگی کمتری برخوردار است. در گذشته، برای تاریخ برهان ها و دلایل مختلفی آورده می شد که دیگر مورد تأیید ما نیستند.

برای مثال، یکی از دلایلی که تاریخ جایگاه خود را در سیستم آموزشی امروزی حفظ کرده است، این است که رهبران و سردمداران قدیم معتقد بودند که علم به حقایق تاریخ، بخصوص به تمایز میان تحصیل کرده و تحصیل نکرده کمک می کند؛ برای مثال، شخصی که می تواند تاریخ تسخیر انگلستان توسط نورمان ها (۱۰۶۶م) یا نام شخصی که نظریه ارزیابی را مطرح کرد و کاری که داروین انجام داد را بازگو کند، ارجحیت دارد و تحصیل کرده تلقی می شود و وی یک مورد مناسبی است که می تواند در حوزه حقوق تحصیل کند یا از یک ارتقاء شغلی بهره جوید. در بسیاری از جوامع، از چین گرفته تا ایالات متحده، تاریخ به عنوان ابزاری جهت غربالگری استفاده شده است و این عادت هنوز تا حدی وجود دارد. متأسفانه، این کار سبب تشویق و ترویج یادگیری بدون درک تاریخ می شود. این یک جنبه واقعی، اما ناخوشایند از علم است و باید مطالعات تاریخی داشته باشیم، زیرا تاریخ برای هر فردی و هر اجتماعی ضروری و پناهگاه زیبایی است.

شیوه ها و رویکردهای زیادی برای مباحثه در نقش های واقعی این موضوع (تاریخ) و استعداد های تاریخی بسیار زیاد و راه های مختلفی برای خواسته ها و مفاهیم تاریخی وجود دارند، اما همه تعاریفی که از کارایی و سودمندی تاریخ صورت گرفته است، بر دو واقعیت اساسی متکی اند. تاریخ به ما کمک می کند تا مردم و جامعه را بشناسیم. غیر از این موارد، تاریخ در زندگی شخصی با تأثیر دارد، زیرا انسان به نوشته های زیبا و سودمند گرایش دارد. تاریخ می تواند به قوه ادراک اخلاقی کمک می کند. تاریخ فضایی را برای بررسی دقیق مسائل اخلاقی

فراهم می‌آورد. مطالعه و بررسی سرگذشت افراد و صنعت‌های در گذشته به تاریخ‌آموزان این امکان را می‌دهد تا درک اخلاقی خود را بسنجند؛ تا آن را برای مقابله با برخی از رنج‌های واقعی که افراد در موقعیت‌های دشوار با آن‌ها روبه‌رو هستند، به کار گیرند (ر.ک. ناتانیل استینر، ۱۳۹۶).

از دیگر فواید مطالعه تاریخ هویت بخشی آن است. یعنی انسان با مطالعه تاریخ می‌تواند بفهمد که کیست و از کجا آمده و به کجا می‌رود و بی‌تردید این یکی از آن دلایلی است که همه کشورهای پیشرفته آموزش تاریخ را به شکل‌های مختلف تشویق می‌کنند. مطالعه تاریخ برای تبدیل شدن به یک شهروند خوب مفید است. گاهی طرفداران تاریخ شهروندی به ارتقاء هویت ملی و وفاداری، به واسطه تاریخی که داستان‌های پرشور و درس‌هایی از موفقیت و اخلاقیات را در خود جای داده‌اند، امید بسته‌اند. مهم‌تر این که مطالعه تاریخ رفتارهایی را که برای احساس مسئولیت در رفتار عمومی ضروری است، ترویج می‌کند؛ چه برای کسی که در جایگاه رهبری یک اقلیت یا ملت، یک رأی‌دهنده آگاه و دادخواه باشد، چه برای یک فرد معمولی ناظر باشد (ناتانیل استینر، ۱۳۹۶).

یک تاریخ‌آموز می‌تواند چه مهارت‌هایی را در خود بیوراند. یک تاریخ‌آموز که به خوبی آموزش دیده است، بر روی مطالب تاریخی و گذشته کار کرده است و مطالعات موردی بر تحولات اجتماعی انجام داده است، چگونه باید مهارت‌های خود را گسترش دهد؟ این مطالب تاریخی قابل مدیریت است، اما متشکل از چندین لایه روی هم است. ۱. توانایی در ارزیابی سند تاریخی. ۲. توانایی در ارزیابی تفاسیر متناقض. ۳. کسب تجربه در ارزیابی نمونه‌هایی از تغییر و تحول در گذشته. همچنین تاریخ برای کار و اشتغال مفید است. مطالعه تاریخ کمک می‌کند تا تاجران، متخصصان و رهبران سیاسی خوب را پرورش دهیم، اما اکثر کسانی که تاریخ را مطالعه می‌کنند به تاریخ‌دانان حرفه‌ای مبدل نمی‌شوند. تاریخ‌دانان در سطوح مختلف تدریس می‌کنند، در موزه‌ها و رسانه‌ها کار می‌کنند و برای سازمان‌های مردمی و کسب کارها، تحقیق تاریخی انجام می‌دهند، یا در تربیت تاریخی مشارکت می‌کنند. این صنف‌ها علاوه بر حیاتی بودن، برای تداوم فعالیت در حوزه تاریخی مفیدند، اما اکثر افرادی که به مطالعه تاریخ می‌پردازند از یادگیری‌های خود برای اهداف شغلی گسترده‌تری استفاده می‌کنند. تاریخ‌آموزان تجارب خود را در راستای شغل و حرفه‌های گوناگون، همچنین مطالعه بیشتر در حوزه‌هایی مثل قانون و مدیریت دولتی به دست می‌آورند. (ناتانیل استینر، ۱۳۹۶) با بررسی موارد مختلف در مورد اهمیت مطالعه و آموزش تاریخ اکنون به بررسی دیدگاه قرآن در مورد اهمیت مطالعه و آموزش تاریخ می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

اهمیت مطالعه و آموزش تاریخ از نگاه قرآن : مهم‌ترین انگیزه‌ای که باعث گرایش مسلمانان به مطالعه تاریخ بود، قرآن است. تاریخ یکی مهم‌ترین موضوعاتی است که از دیدگاه قرآن باید به بررسی و تحقیق پیرامون آن پرداخت. تأکید کتاب مقدسی مانند قرآن بر مطالعه تاریخ و درک و فهم آن قطعاً از اهمیتی دو چندان برخوردار است و شاید نشان از جهان‌بینی‌ای با ویژگی‌ها و معیارهایی خاص باشد. وجود آیات بسیار در قرآن که انسان را به مطالعه و نظر در تاریخ فرا می‌خواند که این امر حکایت از اهمیت دادن ویژه قرآن کریم به مطالعه تاریخ دارد. قرآن حدود ۱۳ بار امر به سیر در زمین و بررسی اوضاع و احوال ملت‌ها و اقوام می‌دهد که نشان‌دهنده اهمیت مطالعه تاریخ و سود آن برای جوامع بشری است.

با دقت نظر در قرآن، می‌توان به راحتی اهمیت فراوانی را که این کتاب انسان‌ساز آسمانی برای تاریخ قائل شده است، مشاهده کرد. در این کتاب مقدس به ضوابط و قانونمندی‌های حاکم بر تاریخ، علل و عوامل پیروزی‌ها، پیشرفت‌ها و شکست‌ها و انحطاط جوامع گذشته در بستر تاریخ پرداخته شده و علل ایجاد و سقوط تمدن‌ها یادآوری شده است. قرآن کریم در برخی موارد، به بیان داستان در مورد اقوام پیشین می‌پردازد. به عبارت دیگر، قرآن با تاریخ‌گویی در بهترین قالب‌ها، به گردش در زمین و عبرت‌گیری از عاقبت گذشتگان دعوت می‌کند. در آیات متعدد قرآن مردم را به عبرت‌گیری از تاریخ فرا می‌خواند. قرآن کریم در سوره‌های فاطر، نحل، اعراف، یوسف و آل‌عمران، کهف، قصص، لقمان، انبیاء، جاثیه، احزاب و روم به ذکر تاریخ و اهمیت تاریخ و سود آن برای بشر می‌پردازد. در سوره فاطر می‌فرماید: «وَأَوَّلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشِدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً»؛ «آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که قبل از آن‌ها بودند چه شد در حالی که آن‌ها نیرومندتر بودند». (غافر، ۲۱)

همچنین در سوره نحل می‌فرماید: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ «در زمین سیر و گردش کنید تا ببینید که عاقبت تکذیب گران چگونه بود؟» (انعام، ۱۱) خداوند متعال در آیه ۱۷۶ سوره «اعراف» می‌فرماید: «...فَأَقْصَصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «...پس این داستان‌ها را [برای مردم] حکایت کن شاید [نسبت به امور خویش] بیندیشند». (اعراف، ۱۷۶) همچنین در آیه ۱۱۱ سوره «یوسف» می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ به راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است. (یوسف، ۱۱۱) در آیه ۱۳۷ سوره «آل‌عمران» می‌فرماید: «فَقَدْ خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِكَ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» «قطعاً پیش از شما روش‌هایی [در میان ملل و جوامع بوده که از میان رفته است]، پس در زمین گردش کنید...».

قرآن کریم با ذکر داستان‌های گذشتگان درصدد است که زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده، تا با عبرت‌پذیری از آن، زندگی خود را بسازد. با این وصف قرآن اهمیت و فایده مطالعه قرآن را عبرت‌پذیری و آینده‌نگری (با توجه به رفتار و کردار پیشینیان) می‌داند. قرآن با وصف سرنوشت اقوام پیشین درصدد ذکر این مطلب بوده است که احتمال گرفتاری افراد عصر حاضر به سرنوشت پیشینیان وجود دارد. بنابراین در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که ناظر بر شرح حال انبیا می‌باشد. هدف از این داستان‌ها در قرآن، برای عبرت‌پذیری می‌باشد نه برای تاریخ‌گویی‌ها و داستان‌سرایی‌های صرف برای سرگرمی. هنگامی که قرآن تکذیب آیات الهی، ظلم و ستم و فسق و فجور را از جمله عوامل شکست بسیاری از اقوام و ملت‌ها به حساب می‌آورد و انسان را به تأمل در آن وادار می‌سازد نشانگر آن است که اگر جامعه‌ای در آن مسیر گام بگذارد بدون شک سقوط خواهد کرد. طبق این گفتار، سنتی که خدا با استفاده از تاریخ در قرآن بیان کرده، این است که هر جامعه‌ای که دچار تفرقه می‌شود از هم می‌پاشد و هر جامعه‌ای که انسجام و وحدت داشته باشد رشد می‌کند.

قرآن کریم بیش از هر چیز بر اراده و اختیار انسان‌ها تأکید دارد و انسان را عامل محرکه تاریخ می‌داند و معتقد است انسان‌ها خود تاریخ خویش را می‌سازند. درست است که طبق نظر برخی مورخان، این سنت که در قرآن ذکر شده به تاریخ‌نگاری در سطح گسترده رسوخ نکرد، اما همین امر که قرآن کریم انسان را به مطالعه تاریخ فرا می‌خواند و به انسان یادآور می‌شود که از نگاه سطحی و سریع عبور کرده و به فهم عمیق رویدادهای تاریخی نظر کند در جای خود بسیار بااهمیت است. (فولادی و نعمتی، ۱۳۹۹: ۱۰-۹)

آموزش تاریخ در نهج البلاغه: امام علی (ع) وصی و جانشین واقعی پیامبر اسلام (ص) بود. بعد از رحلت پیامبر (ص) متأسفانه به علت انحراف از سیره آن حضرت و رگه‌های دوران جاهلیت که ترکیبی از تعصبات قبیله‌ای و دنیاپرستی بود، بعد از ۲۵ سال که حاکمیت جامعه اسلامی به دوران جاهلیت برگشته بود، بالاخره مردم به امام علی (ع) رجوع کردند و با اصرار از ایشان خواستند که زمامداری امور مسلمین را بر عهده بگیرد. امام علی (ع) بعد از درخواست‌های مکرر و هجوم سیل مردم به ایشان برای پذیرش خلافت، مردم را به مسجد فرا خواند و در بین عموم مردم در مسجد خلافت را پذیرفت و مسلمانان با وی بیعت کردند. آن حضرت در ابتدای پذیرش خلافت اعلام کرد که رویکرد من عدالت است و حق مظلومان را از ظالمان خواهم گرفت و بیت‌المال را حتی اگر در مهر زنان رفته باشد برمی‌گردانم و تا لحظه شهادت بر این عهد باقی ماند.

روش

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای با تکیه بر قرآن کریم و نهج البلاغه استفاده شده است. بدین صورت که منابع کتابخانه ای مطالعه شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همانطور که در مقدمه بیان شد، این پژوهش در صدد پاسخگویی به چند سؤال است:

چرا حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به تاریخ نگاه ویژه ای دارد؟
حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در باب تاریخ چه نکاتی مطرح کرده است؟
عقلانیت و علم چه جایگاهی در نگاه ویژه حضرت علی (ع) به تاریخ دارد؟
این مقاله با روش یاد شده در بالا به سوالات مطرح شده پاسخ داده است.

یافته‌ها

نهج البلاغه مجموعه سخنان، خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) است. ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) ملقب به شریف رضی یا سید رضی عالم بزرگ شیعه این مجموعه را در اواخر قرن چهارم هـ ق جمع‌آوری و تدوین کرده است. معیار انتخاب بیانات امام علی (ع) در این کتاب، فصاحت و بلاغت عنوان شده است. بنابراین به معنای راه آشکار بلاغت نام‌گذاری شده است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه نهج؛ نهج البلاغه، تحقیق عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳ هـ ق: ۱ و ۴؛ مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱).

درباره این اثر فاخر و ارزشمند شرح و تفسیرهای متعدد و فراوانی به نگارش درآمده که بعد از قرآن کریم دومین اثر در این زمینه است (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۳۵؛ رفیعی، ۱۳۸۰: ۱۳۱). این کتاب ارزشمند به زبان‌های متعدد شامل فارسی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، آلبانیایی، روسی، ترکی، اردو، ژاپنی، چینی و ... ترجمه شده است (دین‌پور، ۱۳۸۰: ۶۰). ابن ابی الحدید شارح نهج البلاغه در قرن هفتم، نهج البلاغه را قابل مقایسه با هیچ اثری از آثار علما و دانشمندان نمی‌داند و شدیداً به کسانی که این‌گونه مقایسه‌ها را انجام می‌دهند، انتقاد می‌کند (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ج ۷، ۲۱۳ و ۲۱۵).

جورج جرداق نویسنده مسیحی، نهج البلاغه را از جهت بلاغت، قرآنی می‌داند که کمی از مقام خود پایین‌تر آمده است و آن را پایین‌تر از کلام خدا و بالاتر از کلام غیر خدا می‌داند. (جرداق، ۱۹۷۰ م: ج ۱، ۴۷). مجموعه نهج البلاغه شامل ۴۸۰ حکمت، ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه که مرکب از ۱۲ وصیت‌نامه، سفارش و بخشنامه، ۲ فرمان، ۱ دعا، ۱ پیمان‌نامه و ۶۳ نامه مکتوب امام علی (ع) است. نامه‌های خطاب به امام حسن مجتبی (ع)، مالک اشتر، حاکم مصر و عثمان بن حنیف حاکم بصره از مهم‌ترین نامه‌های آن حضرت می‌باشند.

محتوای نهج البلاغه در واقع عقیده جامع امام علی (ع) در مورد خدا، انسان، مبدأ و معاد می‌باشد و در آن صفات و ویژگی‌های اخلاقی پسندیده که لازمه شخصیت والای انسان است، تبیین گردیده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه درباره رسالت پیامبران، امامت، حکومت و رهبری، حقوق فردی و اجتماعی، ویژگی‌های منافقان و کافران و برخی از وقایع تاریخ صدر اسلام و معرفی ناکثین، قاسطین و مارقین سخن گفته است. (رشاد، ۱۳۸۰: ج ۱۲، ۴۵-۴۴) نقدهایی نیز به این اثر فاخر وارد شده است؛ از جمله اینکه در برخی موارد به اشتباه سخنانی را که دشمنان امام علی (ع) به ایشان نسبت داده‌اند، در نهج البلاغه آمده است و یا گفته شده بعضی از سخنان دیگر امامان به امام علی (ع) نسبت داده شده و در نهج البلاغه آمده است. اما مجموعاً نهج البلاغه به لحاظ محتوا و ارزش و اهمیت بسیار بالایی که دارد برادر قرآن نامیده شده است. (نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ج ۳، ۴۲۳)

امام علی (ع)، آموزگاری چیره‌دست در آموزش تاریخ: کتاب نهج البلاغه، گفتارها و نامه‌های امام علی (ع)، به عنوان دومین کتاب مهم بعد از قرآن برای مسلمانان، با همان رویکرد قرآن به تاریخ می‌نگرد و با بیانی شیوا، ضمن تفسیر فرازاها و فرودهای تاریخ، نکته‌های عبرت‌آموز زندگی گذشتگان را به بشر گوشزد می‌نماید. امام علی (ع) بارها به ذکر اهمیت عبرت‌پذیری از حوادث و زندگی اقوام گذشته می‌پردازد (سید رضی، ۱۳۸۷: ۲۴۹، ۲۷۵، ۳۲۱، ۳۲۹) و می‌فرماید: «از دگرگونی روزگار عبرت پذیرید». (سید رضی، ۱۳۸۷: ۲۰۹)

ایشان در نامه‌ای به پسرشان، امام حسن (ع) در مورد اهمیت مطالعه تاریخ، می‌نویسد: «أَيُّ بُنَى، إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عُمِرْتُ عُمُرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَ سِرْتُ فِي أَثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ، بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنتَهَيْ إِلَى مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ، وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ، فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ، وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ، وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ...». «پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان‌بارش شناسایی کردم. سپس، از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را، و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

حضرت علی (ع)، غیر از فایده عبرت‌پذیری در سخن اخیرش خطاب به فرزندش، حتی فایده تربیتی تاریخ را نیز عنوان می‌کند. «...استدلَّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ، فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ، وَ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالِغَتْ فِي إِيْلَامِهِ، فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَابِ وَ الْبِهَائِمِ لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ...»؛ «...برای امور واقع نشده به آن چه واقع شده است، استدلال

نما و با مطالعه قضایای تحقق یافته، حوادث یافت نشده را پیش‌بینی کن؛ زیرا امور جهان همانند یکدیگرند. از آن اشخاص نباش که موعظه سودش ندهد، مگر توأم با آزار و رنج باشد؛ زیرا انسان عاقل باید از راه آموزش فکر پند بپذیرد؛ این بهائم هستند که جز با کتک فرمان نمی‌برند...» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) همچنین می‌فرماید: «مَنْ اعْتَبَرَ ابْصَرَ وَ مَنْ ابْصَرَ فَهَمَّ وَ مَنْ فَهَمَّ عِلْمٌ»؛ «هرکس از وقایع گذشتگان عبرت بگیرد، بینا می‌شود و کسی که بصیرت و بینایی پیدا کرد می‌فهمد و آن کس که فهمید، عالم می‌شود» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰۸).

ایشان در جای‌جای این اثر درباره اهمیت تاریخ و عبرت‌پذیری از آن سخن رانده است و می‌فرمایند: «از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار همانند بوده، و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد، و همه آن رفتنی است» نیز می‌فرمایند: «روزگار بر آیندگان چونان می‌گذرد که بر گذشتگان گذشت؛ آنچه گذشت باز نمی‌گردد، و آنچه هست جاودان نخواهد ماند، پایان کارش با آغاز آن یکی است، ماجراها و رویدادهای آن همانند یکدیگرند، و نشانه‌های آن آشکار است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۷).

دیدگاه‌های امام علی علیه‌السلام در باب تاریخ، تفسیر روشنی از مفاهیم قرآنی است. در سخنان آن امام، فلسفه تاریخ، با رویکردی کاملاً آگاهانه و هدفمند مورد توجه واقع شده است. آغاز و انجام تاریخ مهم‌ترین بخش این تأملات است. ایشان، کل تاریخ را در سه بخش؛ یعنی آفرینش و برگزیدن آدم (آغاز تاریخ)، بعثت پیامبران (مرحله دوم تاریخ) و ظهور منجی مصلح (انجام تاریخ) توصیف می‌کنند. بر اساس سخنان آن حضرت، عوامل مهم شکل‌گیری تاریخ بشری عبارت‌اند از: ۱. حاکمیت مشیت الهی ۲. آزادی عمل و قدرت انتخاب انسان (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۱).

باید تصریح شود که قرار نیست از فلسفه تاریخ حضرت علی علیه‌السلام بحث شود و آن بزرگ در عداد فلاسفه تاریخ قرار گیرد؛ زیرا نکات نهج‌البلاغه و به طور کلی کلمات علوی - و یا هر روایتی که از ائمه دین نقل شده است - سخن هدایت است، نه زبان عبارت ارباب علوم رسمی. نهج‌البلاغه سراسر درس تذکر و عبرت است. هر درس تذکری، فلسفه تاریخ نیست. قصد صاحب بزرگ آن نیز تدوین فلسفه تاریخ و هیچ علم خاص دیگر نبوده است. البته مولا فرموده است که: «خبر گذشته و آینده و احکام ناظر بر روابط کنونی جامعه‌تان در قرآن موجود است» (نهج‌البلاغه، ترجمه شهیدی، ۴۱۸). باوجود این، نه قرآن و نه نهج‌البلاغه، کتاب فلسفه نیستند. حضرت علی علیه‌السلام هم نخواسته است فلسفه تاریخ تدوین کند؛ بلکه او دل عبرت بین داشته و با مرگ که تقدیر همه آدمیان است، انس یافته و با این انس گذشته و گذشتگان را می‌دیده و در موقع و مقام ولایت مقتدای اهل نظر و بصیرت و اعتبار شده است (داوری، ۱۳۸۰: ۹۹).

عقلانیت در آموزش تاریخ در نهج البلاغه: گرچه علی (ع)، امام و جانشین پیامبر اسلام (ص) است و شاید دیگران (غیر مسلمانان) این شخصیت بی‌نظیر را کاملاً شخصیتی دینی تصور کنند اما واقعیت این است که این شخصیت جامع با وجود این که به اصطلاح قرآن ناطق است و متکی به منبع نورانی وحی می‌باشد، اما نباید تصور شود که امور را همیشه از جنبه اعتقادی صرف مد نظر داشته است، بلکه علم و عقلانیت و منطق در لحظه به لحظه زندگی و اندیشه آن حضرت مالا مال بوده است و همین ویژگی را در توجه ایشان به اهمیت تاریخ می‌توان به وضوح مشاهده کرد. امام علی (ع) در مجسم کردن صحنه‌ای تاریخی به طور عجیبی عمل کرده است و مانند فیلم‌های امروزی صحنه‌ها و وقایع تاریخی درنور دیده و باز می‌گردد و تحلیل می‌کند. در تبیین یقین به عنوان یک امر دینی، عقلانیت از طریق تدبر در تاریخ در بیان حضرت علی (ع) دیده می‌شود؛ می‌فرماید یقین بر چهار ستون قرار دارد: ۱. بینش و هوشیاری. ۲. رسیدن به دقایق حکمت. ۳. عبرت گرفتن از وقایع. ۴. درس گرفتن از سنت‌های پیشینیان (ثقفی، ۱۳۷۴، ۵۳).

امام علی (ع) در تبیین وقایع تاریخی مفاهیم و واژه‌هایی مبتنی بر عقلانیت در توجه به تاریخ به کار برده است از جمله این واژه‌ها: نظر افکندم، اندیشیدم، سیر کردم، شناختم، برگزیدم، انسان عاقل، آموزش و فکر، بصیرت و فهم می‌باشد. از دریچه دیدگاه آن حضرت در مورد تاریخ، تاریخ درس زندگی در همه ابعاد از جمله درس سیاست و در شکل عالی آن درس معرفت است. در واقع تاریخ که شرح زندگی اجتماعی گذشته انسان است به معرفت بر می‌گردد، چراکه معرفت مختص انسان است نه سایر جانداران بنابراین فقط انسان تاریخ دارد و علی (ع) هم در بیان عبرت‌آموزی از تاریخ، تأکید دارند که انسان عاقل باید از راه آموزش و فکر پندپذیر باشد و بهائیم هستند که آموزش پذیر نیستند و جز با کتک فرمان نمی‌برند. دیدگاه‌های امام علی (ع) برگرفته از قرآن کریم است و قرآن با دعوت به سیر در زمین و مطالعه تاریخ، یکی از دلایل لزوم توجه به تاریخ باروری اندیشه و عقلانیت می‌داند که منجر به ارتقا تفکر و فرهنگ می‌شود. از این رو علی (ع) می‌فرماید: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ وَالْإِعْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ وَ كَفَى أَدَباً لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهَتْهُ لِعَيْرِكَ»؛ «اندیشه آینه صاف و روشن است (که پایان کار در آن دیده می‌شود) و عبرت گرفتن (از روزگار) ترساننده پند دهنده است و بس است ادب و آراستگی ترا به دوری نمودن از آنچه (زشتی) برای دیگری دوست نداری» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۵۷).

اهمیت مطالعه تاریخ از منظر اسلامی: دلیل اهمیت مطالعه تاریخ از منظر اسلامی، همین سنت‌های الهی ذکر شده در قرآن و نهج‌البلاغه می‌باشد. خداوند برای اینکه انسان‌ها را به اهداف آفرینش خود نزدیک‌تر کند سنت‌هایی دارد که بر صحنه تاریخ جاری می‌کند. بنابراین، مطالعه

تاریخ انسان را با سنت‌های دنیا که در واقع وجوه مشترک تاریخ با زمان معاصر و آینده است، آشنا می‌کند. با دقت در بطن تاریخ می‌توان حکایت گذشتگان را در مواجهه با این سنن مورد مطالعه قرار داد و در حقیقت، تحت تعلیم و تربیت قرار گرفت. بر پایه همین مبنا یک سوم از قرآن و بخش‌های بسیاری از نهج البلاغه از جمله خطبه اول، خطبه قاصعه و خطبه اشباح و نامه‌ها و حکمت‌هایی که ذکرشان رفت را تاریخ تشکیل می‌دهد (مردانی و عابدی، ۱۳۹۵: ۹۸ و ر.ک. تحلیل بررسی تاریخ و فلسفه تاریخ در نهج البلاغه، سیدعبدالمناف موسوی، ۱۳۹۵). ارزش و اهمیت مطالعه و آموزش تاریخ در نهج البلاغه را می‌توان در دو دسته تقسیم بندی کرد:

الف. تاریخ محصول تجربیات گذشتگان:

هر کسی در زندگی خود احتیاج به تجربه دارد، اما عمر یک شخص برای کسب همه تجربه‌ها کافی نیست. تنها از راه تاریخ می‌توان از تجربه‌های گذشتگان بهره گرفت؛ تاریخ دربردارنده تجربه‌های افراد و جامعه‌هایی است که در گذشته زندگی کرده و تجربه‌های تلخ و شیرینی کسب نموده‌اند. اکنون می‌توان از آن‌ها سود جست. چنین کسی، مانند آن است که به درازای تاریخ عمر کرده است.

ب. تاریخ احیاگر دل‌های فرد و جامعه: سیل حوادث بر پیکره دل هجوم برده و آن را در معرض تیرهای شیطانی قرار می‌دهد. و سرانجام به دست مرگ و هلاکت می‌سپرد. چنانکه نهادهای انسانی همچون؛ «مذهب»، «علم»، «فلسفه» و «هنر» به احیاگر نیاز دارند، کانون آن‌ها یعنی دل نیز احتیاج به احیاکننده‌ای دارد که زنگار از چهره آن بزداید. قلب جامعه و وجدان عمومی نیز از این حالت مستثنی نیست یعنی به نیروی محرکی نیاز دارد که پیوسته آن را از رکود و سکون و آلودگی‌ها و مرگ و میرها نجات دهد و به سوی، «تحرك»، «پاکی»، و «بیداری» فراخواند و این کار از دیدگاه نهج البلاغه از علم تاریخ ساخته است. یا دست‌کم می‌توان گفت تاریخ در احیای دل فرد و جامعه نقش عمده‌ای دارد (وفا، ۱۳۸۲: ۲۱). خلاصه آن که از دیدگاه نهج البلاغه تاریخ پدیده ارزشمند، منبع شناخت، وسیله‌ای برای کسب تجربه و احیاگر افراد و جوامع معرفی شده است و از آن به عنوان، آینه صاف و پندآموز با اخلاص، یاد شده است درحدی که حضرت علی علیه‌السلام بخشی از وصیت مهم و جامع خود را به تاریخ و عبرت‌آموزی از آن اختصاص می‌دهد

بحث و نتیجه‌گیری

تاریخ، ثبت و شرح مجموعه رخدادهای زندگی گذشته انسان مانند رخدادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، طبیعی و غیره می‌باشد. این رویدادها شامل اموری مانند کردارها و دستاوردهای مادی و معنوی بشر می‌شود. به تعبیری یعنی هر آن چه که بشر گفته، اندیشیده و

عمل کرده است. علاوه بر این، وقایع و حوادث گذشته زندگی انسان دارای علل و عواملی بوده که می‌بایست بررسی و تجزیه و تحلیل شوند. در واقع تاریخ از یک طرف توصیف رویدادهای گذشته است و از طرف دیگر برای درک و فهم رویدادهای تاریخی می‌بایست توسط مورخان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان به طور مکرر امر به سیر در گذشته زمین و بررسی اوضاع و احوال اقوام و ملل گذشته می‌دهد.

در واقع هم به تاریخ توصیفی و نقلی توجه دارد و هم تحلیلی؛ یعنی با ذکر جزئیات سرگذشت اقوام گذشته از جمله مثلاً عاد، ثمود، لوط و غیره انسان را به عبرت‌آموزی از عاقبت گذشتگان دعوت می‌کند. این کتاب آسمانی در سوره‌های فاطر، نحل، غافر، اعراف، آل عمران، یوسف، کهف، قصص، لقمان، انبیاء، جاثیه، احزاب، روم و غیره به ذکر تاریخ و ضوابط و قانونمندی‌های حاکم بر تاریخ، علل و عوامل پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها و شکست‌ها و انحطاط جوامع گذشته در بستر تاریخ پرداخته و علل ایجاد و سقوط تمدن‌ها را یادآوری نموده است. عقلانیت در کلیدواژه‌های قرآن در آموزش تاریخ موج می‌زند؛ از جمله کلماتی به کار رفته است، تعقل، تفکر، نظر، تذکر، سیر، عبرت، نگرستن، آیت و غیره می‌باشد که واقعاً برای اهل خرد جای هیچ‌گونه تردیدی در اهمیت تاریخ باقی نمی‌گذارد. در نهج البلاغه نیز که به برادر قرآن معروف است، تاریخ با نهایت توجه مورد تأکید و آموزش قرار گرفته است.

امام علی (ع) با همان رویکرد قرآن به تاریخ نگرسته است. ایشان کل تاریخ را در سه بخش یعنی آفرینش و برگزیدن آدم (آغاز تاریخ)، بعثت پیامبران (مرحله دوم تاریخ) و ظهور منجی مصلح (انجام تاریخ) توصیف می‌نماید. آن حضرت با بیانی شیوا ضمن تفسیر فراز و فرودهای تاریخ نکته‌های عبرت‌آموز، زندگی گذشتگان را به بشر گوشزد می‌نماید. حضرت علی (ع) بارها به ذکر اهمیت عبرت‌پذیری از وقایع و حوادث زندگی اقوام گذشته پرداخته است. و وقایع سودمند تاریخ را به پسرش امام حسن (ع) و در واقع کل بشریت برای تربیت، آموزش و عبرت‌گیری هدیه می‌کند. عقلانیت حضرت علی (ع) در توجه به تاریخ کاملاً هویدا است و از دریچه اعتقادی صرف به تاریخ نمی‌نگرد، بلکه با به کار بردن مفاهیم علمی، آموزشی و تربیتی نقش آموزگاری چیره‌دست را ایفا می‌نماید.

امام علی (ع) مفاهیم و کلماتی عقلایی در توجه به تاریخ به کار برده است که عقلانیت آن حضرت را در عنایت ویژه به آموزش تاریخ نمایان می‌سازد. از جمله این واژه‌ها شامل نظر افکندم، اندیشیدم، سیر کردم، شناختم، برگزیدم، انسان عاقل، آموزش و تفکر، بینایی، بصیرت، فهم و درک، بینش و هوشیاری، دقایق حکمت، عبرت گرفتن از وقایع، درس گرفتن از سنت‌های پیشینیان و غیره می‌باشد. خلاصه آن که امام علی (ع) در نهج البلاغه آموزش تاریخ را به صورت توصیفی - تحلیلی آن چنان با بیان شیوا و دقیق وقایع تاریخی را توصیف، تجزیه و

تحلیل نموده که برای مطالعه کننده خردمند ابهام و نقطه مجهولی در طی کردن راه و روش زندگی و عبرت‌آموزی باقی نمی‌گذارد. در اهمیت تاریخ در نهج‌البلاغه همین نکته بس است که آن حضرت فرزندش امام حسن (ع) و در واقع انسان را بعد از توصیه به فراگیری و عمل به قرآن، به رسالت پیامبران به عنوان مقطعی از تاریخ توجه می‌دهد.

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان در نگارش مقاله بطور مختصر شرح داده شود (به صورت درصد و نیز وظایف انجام شده در مقاله).

تشکر و قدردانی

در قسمت تقدیر و تشکر باید مشخص شود که مقاله ارسالی حاصل طرح تحقیقاتی یا پایان‌نامه بوده و شماره ثبت، تاریخ ثبت، محل ثبت و تأمین‌کننده منابع مالی ذکر گردد. همچنین از مؤسسه تأمین‌کننده بودجه، افراد و یا سازمان‌هایی که به نحوی در انجام مطالعه و یا نگارش مقاله همکاری نموده‌اند قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Quran
Nahj al-Balaghah
Ibn Abi al-Hadid, Izz al-Din Abu Hamed (1958). Commentary on Nahj al-Balaghah by Ibn Abi al-Hadid, Vol. 7, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Public Library.
Jurdaq, George (1970). Al-Imam Ali Sawt al-Adala al-Insaniyah, Beirut: Daram Kitab al-Hayyah.
Davari, Reza (1980). "History and Philosophy of History (in Nahj al-Balaghah)", Qabsat Quarterly, Volume 6, Issue 19, pp. 110-98.
Thaqafi, Ibrahim bin Muhammad bin Saeed bin Hilal (1995). Al-Gharat,

- translated by Abdul Hamid Ayati, Tehran: Ministry of Guidance Publications.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1967). Dictionary, University of Tehran.
- Dinparvar, Seyyed Jamal al-Din (1980). "Nahj al-Balagha, the Eternal Charter", Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research, Vol. 2 and 3.
- Rashad, Ali Akbar (2001). Encyclopedia of Imam Ali (AS), Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute.
- Rafiei, Behrouz (2001). "Alavi Authenticity of Nahj al-Balagha", Quarterly Journal of Methodology of Humanities, Vol. 26.
- Seyyed Razi (2008). Nahj al-Balagha, translated by Mohammad Dashti, Qom: Jamkaran Holy Mosque.
- Attardi Qochani, Azizah (1413 AH). Nahj al-Balagha, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation.
- Fouladi, Fadlallah; Nemati, Mohammad Ali (2010). "The Importance of Studying History from the Perspective of Islamic Historians (Based on the Views of Bayhaqi, Ibn Miskawayh and Ibn Khaldun), Research in History Education, Volume 1, Issue 4, pp. 7-19.
- Feyz al-Islam, Seyyed Ali Naqi (1990). Translation of Nahjul-Balagha, Tehran: Faqih Publications.
- Mardani, Mehdi and Somayeh Abedi (2016). "Educational Works of History from the Perspective of Nahjul-Balagha", Marafat, Year 25, Issue 223, pp. 95-108.
- Mostafavi, Javad (2007). The Relationship of Nahjul-Balagha with the Quran, Tehran: Nahjul-Balagha Foundation.
- Mollaei Tavani, Alireza (2008). An Introduction to the Research Method in History, Tehran: Ney Publications.
- Mousavi, Seyyed Abdol-Manaf (2016). Analysis of the Study of History and Philosophy of History in Nahjul-Balagha. Khorramabad: Qalam-e-Azam Publications.
- Mirabul-Qasemi, Seyyedeh Roqiyeh (2005). "The Philosophy of History in Nahjul-Balagha", Islamic History Journal, Farvardin, Issue 21.
- Nathaniel Stirner, Peter (April 5, 2017). "Why Do We Read History?" Translated by Fazel Shirzad, <http://www.oral-history.ir>.
- Vafa, Jafar (2003). History from the Perspective of the Quran and Nahj al-Balagha, Tehran: Publications of the Islamic Revolutionary Guard Corps, Representation of the Supreme Leader.
- Yerufev, N.A. (1981). What is History? Translated by Mohammad Taghizad, Tehran: Javan
- Walsh, William Henry (1984). Philosophy of History: An Introduction, Tehran: Amirkabir